



Received:
17 September 2021
Revised:
06 November 2021
Accepted:
23 November 2021
Published:
29 December 2021
P.P: 53-79

ISSN: 2008-3564
E-ISSN: 2645-5285



Analysis of Security and Police Concepts from Imam Khamenei's Perspective

Javad Monazzami Tabar ¹

Abstract

In this study, the author has tried to discuss the position and role of the law enforcement forces of the Islamic Republic in the realization of the Islamic society by referring to the thoughts and ideas of the Supreme Leader.

The findings showed that from the point of view of the Supreme Leader, security is of special importance, which will be met through the NAJA as the most important producers of power and national security, and on the other hand, according to the roadmap of the Islamic Revolution. The police force of the Islamic Republic of Iran has duties that can lead to the consistency and permanence of the government and the Islamic society.

Keywords: NAJA, Social Security, The Islamic Republic of Iran.

¹ Assistant Professor, Faculty Board Member, Police University, Tehran, Iran.

Cite this Paper: Monazzami Tabar, J (2021). Analysis of Security and Police Concepts from Imam Khamenei's Perspective. *Crisis Management and Emergency Situations*, 13(4), 53–79.



دانشگاه جامع امام حسین (ع)
۱۳۶۵



سال سیزدهم
زمستان ۱۴۰۰

تحلیل مفاهیم امنیت و پلیس از دیدگاه امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

جواد منظمی تبار^۱ ID

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۸/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۰/۰۸

صص: ۵۳-۷۹

شابا چاپی: ۲۰۰۸-۳۵۶۴

الکترونیکی: ۲۶۴۵-۵۲۸۵



چکیده

زمینه و هدف: هدف این پژوهش تبیین نقش ناجا در تأمین امنیت اجتماعی با تأکید بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) می‌باشد. روش‌شناسی پژوهش: این تحقیق با روش تبیینی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و اسناد ارائه شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: یافته‌ها نشان داد که از نگاه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، امنیت اهمیت ویژه‌ای دارد که این مهم از طریق ناجا به‌عنوان مهم‌ترین تولیدکنندگان اقتدار و امنیت ملی برآورده خواهد شد و از طرفی، براساس نقشه راه انقلاب اسلامی، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران وظایفی دارد که می‌تواند موجب قوام و دوام دولت و جامعه اسلامی گردد. **کلیدواژه‌ها:** ناجا؛ امنیت اجتماعی؛ جمهوری اسلامی.

Javadmonazamitabar@gmail.com

۱. استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه علوم انتظامی، تهران، ایران.

استناد: منظمی تبار، جواد. (۱۴۰۰). تحلیل مفاهیم امنیت و پلیس از دیدگاه امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی). فصلنامه مدیریت بحران و وضعیت های اضطراری، ۱۱۳(۴)، ۵۳-۷۹.

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع) © نویسندگان

مقدمه

بشر از آغاز ورود به پهنه هستی، با معمای امنیت روبرو بوده است؛ زیرا عوامل محیطی مهم‌ترین خطر نسبت به حیاتی‌ترین ارزش بشری یعنی «زندگی» به‌شمار می‌آید؛ خطراتی که بسیاری از آن‌ها ازسوی نیروهای طبیعی بود. بر این اساس می‌توان گفت که جست‌وجوی امنیت، پیوندی ناگسستنی با جوهر هستی انسان دارد و حفظ ذات و صیانت نفس، از اساسی‌ترین امیال انسان است. انسان‌ها به‌طورکلی به‌منظور برآوردن نیازهای زیستی، با یکدیگر وارد مناسبات گوناگون می‌شوند و تشکیل جامعه می‌دهند. در این راستا، می‌توان مهم‌ترین نیاز هر جامعه را - خواه یک طایفه یا قوم کوچک باشد یا یک کشور - تأمین امنیت جامعه و افراد آن دانست (روشندل، ۱۳۷۴: ۳۳). به‌طورکلی انسان که به اقتضای خلقتش اجتماعی آفریده شد، ناچار از وابستگی به «دیگری» و «دیگران» است و در طول تاریخ حیات پرفراز و نشیب خود، تأمین آرامش داخلی، آسایش اقتصادی و ایمنی در برابر تهدیدات فراوان، اندیشیدن و ابتکارات و خلاقیت‌های تکامل‌یافته خود را برای فراهم کردن وسایل گوناگون و رسیدن به این مقصود به‌کار گرفت.

تدوین چارچوب‌های مختلف انضباطی و وضع قوانین و مقررات جمعی منتهی به ایجاد حکومت برای اداره جامعه، ازجمله مهم‌ترین ابزارها و وسایلی است که برای تأمین نیازهای امنیتی به جامعه بشری معرفی شده است. مجموعه این ابتکارها و خلاقیت‌ها درنهایت به ایجاد و گسترش چتری حمایتی منجر می‌شود که در سایه آن، فرد و جامعه به بقا و حیات خود تداوم می‌بخشند و درنیود آن، به وضعیتی می‌رسند که به آن آنومی (بی‌قانونی و عدم تعادل در شرایط اجتماعی) گفته می‌شود (ذاکر اصفهانی، ۱۳۸۷: ۵۶). اندیشمندان سیاسی، برقراری امنیت و ثبات در یک جامعه را به‌طورکلی از وظایف اصلی حکومت‌ها می‌دانند. درواقع از گذشته‌های دور تاکنون، دستور کار اصلی دولت، تأمین امنیت جان مردم از خطرات داخلی و خارجی و نهادینه‌کردن امنیت جمعی بوده است (عرفی‌نظری و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۱).

مقوله امنیت در اسلام جایگاه و اهمیت خاصی دارد و همواره طراحی آن در بستر نظام اسلامی مورد توجه بوده است. این مفهوم ازجمله موضوعاتی است که در قرآن

به‌عنوان مهم‌ترین منبع در اسلام، به گستردگی به آن اشاره شده است. قرآن در واقع اولین منبع احکام اسلامی است که امنیت را یکی از اهداف استقرار حاکمیت خداوند و استخلاف صالحان و طرح امامت برشمرده است. به‌طور کلی مواردی چون باور به اصل توحید، التزام داشتن و تعهد به قوانین الهی، برقراری عدل و قسط، حق حیات، حق کرامت انسانی، حق آزادی، حق انتخاب، تساهل و تسامح، ترویج انفاق و ایثار، پرهیز از جنگ و خشونت در برخورد با مخالفان و صلح‌طلبی با آنان، اصل برادری و اخوت به‌جای دشمنی، هم‌گرایی و وحدت، مبارزه با جنگ‌طلبان و منافقان، پرهیز از استبداد و ستم، حقوق و تکالیف متقابل حکومت و مردم، وحدت پیروان ادیان الهی، همزیستی مسالمت‌آمیز و ... از رئوس اصلی هستند که در تأمین امنیت مورد توجه اسلام قرار دارند (امام‌جمعه‌زاده و درجانی، ۱۳۸۹: ۷۱).

جمهوری اسلامی ایران نیز برای حفظ ثبات و امنیت و دفع تهدیدات داخلی و خارجی و هم‌چنین دستیابی به اهداف و آرمان‌های خود، نیروهای مسلحی را فراهم نموده است که از جمله آن‌ها می‌توان به نیروی انتظامی اشاره نمود که براساس قانون اساسی، حفظ نظم و امنیت مردم را برعهده داشته و در کنار سایر دستگاه‌های امنیت‌ساز می‌تواند با انجام دقیق وظایف خود موجب تحقق آن شود. در این تحقیق با مراجعه به افکار و اندیشه‌های مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، جایگاه و نقش نیروی انتظامی جمهوری اسلامی در تحقق جامعه اسلامی به بحث گذاشته شده است.

بر همین اساس مسأله اساسی این تحقیق آن است که به این سؤال پاسخ دهد که نظر مقام معظم رهبری در خصوص امنیت به‌خصوص امنیت اجتماعی، برای ایجاد جامعه و تمدن اسلامی چیست؟ و ناجا چه نقشی در تأمین این امنیت دارد؟

مبانی نظری

امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی را می‌توان درامان‌بودن یا درامان‌حس کردن خود از تهدید، تهدیدکننده‌بودن محیط زندگی، افراد خانواده، دوستان، مال و سرمایه تعریف کرد (عاملی،

۱۳۷۸؛ ضرابی، شرفی و زنگنه، ۱۳۹۱). احساس امنیت اجتماعی، نوعی جهت‌گیری روانی مثبت (رضایت‌بخش، قانع‌کننده و آرامش‌بخش) گروه‌های اجتماعی نسبت به عدم تأثیرگذاری حضور و بروز رویدادها و وقایع ضدامنیتی (تهدید در شرایط فعلی و آتی) است (افشار، ۱۳۸۵؛ حاجیانی، ۱۳۸۴: ۲۸). در واقع احساس امنیت اجتماعی در تعریفی عملیاتی به فقدان هراس از تهدیدشدن یا به‌مخاطره‌افتادن و نبود ترس از تهدید حقوق و آزادی‌های مشروع یگ گروه اجتماعی گفته می‌شود (زارع، ۱۳۸۷؛ تاجران و کلالی، ۱۳۸۸؛ پوریان، ۱۳۸۹؛ بیات، ۱۳۸۸).

امنیت اجتماعی^۱ در مطالعات امنیتی و از جمله در مکتب کپنهاگ، یکی از ابعاد پنج‌گانه امنیت ملی است و مرجع خویش را هویت گروه‌های اجتماعی بزرگ در جامعه می‌داند. امنیت اجتماعی جدای از امنیت ملی نیست و دغدغه‌های آن‌را به شکل دیگری در سر دارد. به همین جهت، در فضای تهدیدمحوری، موضوع طرح می‌کند و فقط به شیوه‌های مقابله توجه دارد (نویدینیا، ۱۳۸۳: ۶۹).

به مدد مفهوم شانس زندگی از ماکس وبر و تعبیر گیدنز از شیوه زندگی و سیاست زندگی، سطح امنیت اجتماعی را تعیین می‌کنیم. شیوه زندگی مورد بحث گیدنز همان سبک زندگی است که وبر در بحث گروه‌های منزلتی و تمایز میان آن‌ها بیان کرده است. در واقع، شیوه زندگی و سبک زندگی، دو مفهوم در قالب معنایی یکسان هستند.

چنان‌که در جدول زیر آمده است، سه سطح امنیت اجتماعی، شامل سه وجه مهم زندگی اجتماعی است. هرچه احتمال شانس زندگی بالاتر باشد، میزان برخورداری از امنیت در سطح بقا بالاتر است، هرچه انتخاب سبک زندگی محتمل‌تر باشد، تحقق امنیت در سطح رضایت بیشتر است و هرچه امکان تعیین سیاست‌های زندگی بیشتر فراهم باشد، میزان درک امنیت در سطح زیبایی ممکن‌تر خواهد بود.

۱. در اینجا یادآوری می‌کنیم چون واژه (Societal Security) که ترجمه آن امنیت جامعه‌ای یا جامعه‌گی است اصطلاح چندان مأنوسی نیست، از کلمه اجتماعی استفاده شده است که البته این کلمه هم معادل دقیقی نیست.

جدول ۱. رابطه بین نگرش به اجتماع و حوزه امنیت اجتماعی

برنامه	معیار	سطوح امنیت	امنیت اجتماعی
شانس زندگی	همکاری - رقابت	بقا و ثبات	تأمین «اجتماعات»
سبک زندگی	سلطه‌پذیری - سلطه‌گری	توسعه و رضایت	تضمین آسایش
سیاست زندگی	وحدت‌گرایی - تکثرگرایی	رهایی و زیبایی	ضامن آسودگی

با توجه به سطوح امنیت اجتماعی، از آنجا که اجتماعات از طریق مرادوات، تعاملات و مناسبات دوجانبه و متقابل میان اعضای خویش و هم‌چنین با سایر اجتماعات پابرجا هستند، نوع تعاملات متقابل را می‌توان معیاری برای تشخیص کم و کیف امنیت اجتماعی دانست.

تعاملات متقابل و مناسبات دوجانبه، در سه سطح امنیت یعنی بقا، توسعه و رضایت، رهایی و زیبایی تفاوت دارند؛ چنان‌که تعاملات در سطح بقا به مراحل همکاری و رقابت بر سر شانس‌های زندگی معطوف است. هرچه قواعد رفتاری در چارچوب‌های رسمی و مدون در قالب قوانین و مقررات، شیوه‌های همکاری و رقابت را برای کسب شانس‌های زندگی فراهم کرده باشند، می‌توان ادعا کرد امنیت اجتماعی در سطح بقا تحقق یافته است. به‌عبارت دیگر، اعضای اجتماعات نسبت به یکدیگر می‌دانند چگونه عمل نمایند تا بتوانند شانس‌های بیشتری برای زندگی خویش فراهم کنند. هم‌چنین اجتماعات نیز نسبت به هم این آگاهی را دارند که چگونه در فرایندهای تعیین‌شده از طریق همکاری یا رقابت، شانس‌های زندگی خویش را بیشتر کنند (همان، ۷۷).

حال زمانی که تعاملات از فضای همکاری و رقابت خارج و به فضای پرخاشگری، ابراز خشونت و اعمال قهرآمیز برای کسب شانس‌های زندگی وارد می‌شود، امنیت اجتماعی در معرض آسیب قرار می‌گیرد و آسودگی تضمین نمی‌شود. بالطبع هرچه تعداد تعاملات از شکل همکاری و رقابت خارج شود و به سمت مناسبات خشونت‌آمیز میل کند، میزان تحقق امنیت اجتماعی کمتر خواهد شد.

سطح توسعه و رضایت، بر شیوه‌های زندگی استوار است؛ به این معنا که هرچه اجتماعات بتوانند بیشتر در جهت شیوه و مرام خواسته‌شده خویش گام بردارند،

توانمندی‌های خویش را بیشتر رشد می‌دهند و رضایت بیشتری کسب می‌کنند و هرچه اجتماعات برای انتخاب شیوه زندگی با مشکلات بیشتری مواجه باشند، محدودیت‌های بیشتر در جهت رشد و گسترش مهارت‌های خود دارند و رضایت کمتری به دست می‌آورند.

بنابراین، توسعه و رضایت در گرو میزان تعاملات سلطه‌پذیری و سلطه‌گری رقم می‌خورد؛ به این معنا که اجتماعات چقدر امکان انتخاب آنچه را می‌خواهند (شیوه زندگی) در اختیار داشته باشند، دارند؛ هرچه میزان انتخاب و اختیار اجتماعات بیشتر باشد، آن‌ها به سوی شیوه‌های زندگی خویش رهسپار می‌شوند و بالعکس؛ هرچه اجتماعات میزان انتخاب و اختیار کمتری داشته باشند، در تعیین شیوه‌های زندگی محدود هستند و توسعه و رضایت آنان فراهم نخواهد شد. به بیان دیگر، امنیت اجتماعی در سطح رضایت به میزان تعاملات و مناسبات متقابلی معطوف است که میزان انتخاب و اختیار اجتماعات را تعیین می‌کند. هرچه اجتماعات در فضای سلطه‌گری و سلطه‌پذیری کمتری قرار داشته باشند، انتخاب و اختیار بیشتری دارند و تحقق امنیت اجتماعی بیشتر است و هرچه اجتماعات بیشتر درگیر روابط سلطه‌پذیری و سلطه‌گری باشند، انتخاب و اختیار خبری ندارند و تحقق امنیت اجتماعی کمتر است.

اما در سطح رهایی و زیبایی، تحقق امنیت اجتماعی با میزان مراودات وحدت‌گرا و تکثرگرا تعیین می‌شود. اجتماعات در این سطح وقتی به رهایی و درک زیبایی می‌رسند که انواع سیاست‌های تحقق خویش را به بوته آزمایش گذارند و در میان آن‌ها سیاستی را برگزینند که به شکوفایی اجتماع منجر می‌شود. سیاست‌های زندگی در دو دسته کلی وحدت‌گرا و تکثرگرا شکل می‌گیرد و یکی بدون دیگری معنا ندارد. اجتماعات هم‌چنان که تمایز و اختلاف دارند، باید تا حدی انسجام، وحدت و اجماع نیز داشته باشند. به این جهت در عین تکثر و تفاوت، به سوی وحدت و تجانس نیز کشانده می‌شوند؛ لذا سیاست زندگی اجتماعی هم‌چنان که به همکاری و رقابت نیازمند است، به میزانی از تکثر و همگونی نیز نیاز دارد. بنابراین، امنیت اجتماعی در سطح رهایی وقتی سامان می‌گیرد که اجتماعات در عین حفظ و حراست از تمایزات خویش، در جهت نفی یکدیگر

حرکت نکنند و همدیگر را بپذیرند و به میزانی از تعاملات همگون و اجماع دست یابند. هرچه اجتماعات به‌سوی یکی از این دو نوع تعامل سوق داده شوند، امنیت اجتماعی بیشتر از میان آن‌ها رخت برمی‌بندد.

نظریات امنیت اجتماعی

مهم‌ترین نظریات درخصوص امنیت اجتماعی براساس جدول شماره ۲ عبارتند از:

جدول ۲. نظریات امنیت اجتماعی

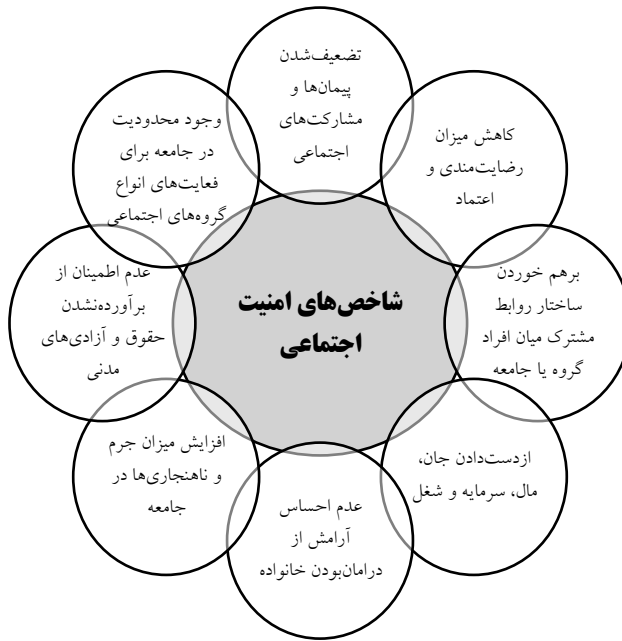
نظریه پرداز	نظریه
نظریه پردازان متأخر و کلاسیک مانند منتسکیو، دو توکویل، لاک، هابز، تونیس، پاره تو و ...	سبک زندگانی و روابط مشترک، رضایت‌مندی و پیمان اجتماعی، کنترل و سرکوب خواسته‌های غیرعقلانی، انجمن‌های داوطلبانه، به‌کارگیری نخبگان، روابط قراردادی
نظریه پردازان اسلامی مانند امام محمد غزالی، طوسی، فارابی، ابن خلدون، ابن سینا، فخررازی و ...	تأکید بر عدل و انصاف، اجماع، ثبات صنوف، رضایت مردم، گرایش‌های دینی و عصیت قومی، همکاری
ساختارگرایی	توجه به قانون، نوع حاکمیت، نحوه رفتار نیروهای انتظامی، ایدئولوژی حاکم، شیوه‌ها و میزان برخورد با ناهنجاری‌ها و عملکرد پلیس، فشارهای اجتماعی
گیدنز، کلمن، پوتنام و فوکویاما	سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی
تعامل‌گرایی مانند هومنز، بلومر، گافمن و ...	توجه به حقوق اجتماعی و شهروندی، همبستگی و انسجام اجتماعی، هویت فردی - اجتماعی، انتظارات مشترک، اطلاعات
کنت و دورکیم	بالابودن توافق اذهان، روابط ناعادلانه، کاهش انسجام اجتماعی، به‌کارگیری زور و قوه قهریه در مناسبات اجتماعی و تقسیم کار
مارکس و مارکسیست‌ها	حمایت از نیروهای تولید یا کارگران و نیز امنیت شغلی آن‌ها
مرتون و کلوارد	ناسازگاری میان اهداف فرهنگی و ابزارهای اجتماعی برآورنده اهداف فوق و نیز افزایش فشارهای اجتماعی

نظریه	نظریه‌پرداز
کنترل‌های اجتماعی رسمی و غیررسمی، حقوق شهروندی، حکومت، کنش ارتباط	مکتب انتقادی مانند کانت و هابرماس
امکان عضویت در گروه‌های اجتماعی مختلف و حفظ عناصر اصلی جامعه	باری بوزان و مالر
احترام به هویت‌ها و ارزش‌های گروهی و خرده‌فرهنگ‌های مختلف	ال‌ویور
شناخت نظام دانایی، تشکلهای گفتمانی، روابط قدرت‌دانش، دولت‌ها، مصرف، تکنیک‌های انضباطی و مجازات، تولید و بازتولید نشانه‌های هنجاری - ارتباطی مرتبط با حال و واقعیت‌ها	پست‌مدرن‌ها مانند بودریار، فوکو، دریدا، بودریار، لیوتار و ...
فراهم‌شدن شرایط مناسب زندگی و مسکن	مکتب شیکاگو مانند رابرت پارک، سالتز و دیکنز
روابط جوهره جامعه، وفاق، کمیت و کیفیت پیوندهای میان شبکه‌های اجتماعی، اعتماد، همبستگی، هویت	نظریه‌پردازانی مانند کلمن، نان‌لین، کاستلز، ترنر، گرانووتر، گلنر، بروگمن و ...

شاخص‌های امنیت اجتماعی

مهم‌ترین شاخص‌های امنیت اجتماعی عبارتند از:

۱. برهم‌خوردن ساختار روابط مشترک میان افراد گروه یا جامعه؛
۲. تضعیف پیمان‌ها و مشارکت‌های اجتماعی؛
۳. وجود محدودیت در جامعه برای فعالیت‌های انواع گروه‌های اجتماعی؛
۴. عدم احساس آرامش از درامان‌بودن خانواده؛
۵. از دست دادن جان، مال، سرمایه و شغل؛
۶. کاهش میزان رضایت‌مندی و اعتماد؛
۷. عدم اطمینان از برآورده‌نشدن حقوق و آزادی‌های مدنی؛
۸. افزایش میزان جرم و ناهنجاری‌ها در جامعه.



نمودار ۱. شاخص‌های امنیت اجتماعی

نیروی انتظامی و امنیت در جمهوری اسلامی ایران

اهمیت و ضرورت پلیس در جامعه به اهمیت و ضرورت وجود امنیت در زندگی بر می‌گردد. از آنجا که «امنیت» نعمتی بی‌بدیل در همه ابعاد فردی و اجتماعی و از نیازهای اصلی فرد و جامعه است و ایجاد و گسترش آن نیز وظیفه حکومت‌ها، دولت‌ها و آحاد ملت است، هیچ مکتب یا نظام حقوقی نمی‌تواند نسبت به آن بی‌تفاوت باشد؛ زیرا «امنیت» عامل مهمی برای پیشرفت و تعالی جامعه است. در کشور ما «سازمان پلیس» مظهر تدبیر، مدیریت، اقتدار و عظوفت نظام اسلامی است (غیائی، ۱۳۹۰: ۸۹). پلیس اسلامی، از آشکارترین جلوه‌های اقتدار، رأفت و محبت نظام و میدان عملی شدن بسیاری از ارزش‌ها و فضایل اخلاقی است. با مروری بر نقش و عملکرد پلیس در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی مانند تأمین امنیت عمومی شهرها و حفاظت از امنیت روستاها و مناطق دورافتاده کشور، تأمین امور انتظامی دستگاه عظیم اداری کشور توسط پلیس پیشگیری، مبارزه با قاچاق و مصرف مواد مخدر به‌عنوان ریشه‌دارترین توطئه فرهنگی -

اجتماعی، انتظام‌بخشیدن به امور ترافیک و حمل‌ونقل شهری و نیز نظم و هدایت امور ترافیک جاده‌ای به‌عنوان شریان‌های حیاتی اقتصاد و ارتباطات کشور توسط پلیس راهور، انجام امور اجرایی مربوط به اتباع کشورهای خارجی در بعد انتظامی و کنترل عملکرد آنان در داخل کشور، همکاری با شبکه جهانی پلیس (اینترپل) در راستای اهداف این سازمان بین‌المللی در مورد شناسایی و استرداد مجرمان طبق توافق‌نامه‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی، برگزاری موفق مراحل متعدد همه‌پرسی‌ها و انتخابات در سراسر کشور طی سالیان پس از پیروزی انقلاب اسلامی با حمایت انتظامی، امنیتی و حراستی، ایجاد بستری امن و آرام در فضای مجازی با تشکیل «پلیس فتا» و ... می‌توان ادعا کرد از خیابان تا بیابان، از محیط عینی کوچک و بازار تا فضای مجازی، حضور پلیس امنیت‌بخش جامعه و نظام سیاسی بوده است. این مجاهدت فرماندهان و افراد نیروهای ناجا در جنگ سخت، نیمه‌سخت و نرم، به‌گونه‌ای بوده است که مورد تقدیر و تشویق و اعطای مدال «مجاهدان واقعی فی سبیل‌الله» از سوی فرماندهی معظم کل قوا گردید (حسینی، ۱۳۹۴: ۴۳).

با همه این مجاهدت‌ها، ایثارگری‌ها و خستگی‌ناپذیری کارکنان ناجا در خدمت‌گزاری به مردم و دولت، هنوز تا تحقق اهداف اسلامی و تشکیل «دولت اسلامی»، «کشور و جامعه اسلامی» و «تمدن اسلامی» و مقدمه‌سازی برای تحقق «دولت کریمه مهدوی (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف)» فاصله قابل توجهی وجود دارد؛ اما با این حال، لحظه‌ای نباید از تحقق این آرمان‌ها غفلت نمود. در شرایط خطیر امروزی، کارکنان نیروی انتظامی، باید به‌طور جدی تلاش کنند تا این نهاد انقلابی، افزون بر نقش کم‌نظیر خود در برقراری نظم و امنیت داخلی و پویایی انقلاب و کارآمدی نظام اسلامی، به سطح پلیس مطلوب اسلامی برسد و به سازمانی در تراز انقلاب اسلامی ارتقا یابد. از بیانات مقام معظم رهبری چنین به‌دست می‌آید که پلیس، ضمن پاسداری و مصونیت از خود، باید با تمام ویژگی‌های ارزنده‌اش، در همه ابعاد تقویت گردد تا در بستر معنویت و بصیرت، عزت و استقلال و اتکای به خداوند متعال به کمال‌یابی خویش ادامه دهد و هم‌چنان در نقش بسیار مهم خود به‌عنوان «مجاهدان فی سبیل‌الله» در مجموعه نظام ولایی، ایفای نقش نماید.

«عناصر پلیس از بالا تا پایین، باید به کمک آقایان محترم عقیدتی - سیاسی، این مجاهدت را بکنند که پلیس را به سطح پلیس اسلامی کامل برسانند» (بیانات در تاریخ ۱۳۹۶/۷/۴).

با این توصیف نیروی انتظامی، امانت‌گران سنگی است که باید آن‌را به برکت شهدا و مجاهدان پرافتخارش حفظ و تقویت کرد تا هم‌چنان در جایگاه و منزلتی ایده‌آل و منطبق با معیارهای پلیس مکتبی، نقش ارزنده خود را در مجموعه نظام ولایی ایفا نماید از این‌رو، همه متصدیان باید کوشش نمایند تا این نهاد انقلابی، روزبه‌روز بارورتر و پرتوان‌تر به وظیفه خطیر برقراری نظم و امنیت و پاسداری از دستاوردهای انقلاب عمل کند. اگر بخواهیم نقش پلیس را در تحقق دولت اسلامی بررسی کنیم، باید ابتدا دولت را پدیده‌ای تصور کرد که چهارپایه یا وجه دارد:

وجه اجبار: دولت اساساً پدیده‌های اجبارآمیز دارد. بدون وجود اجبار، دولت نمی‌تواند کارویژه‌های خود هم‌چون حفظ نظم و امنیت، حل منازعات، دفاع در مقابل مهاجمان خارجی و ... را انجام دهد.

وجه مشروعیت یا وجه مشروعیت‌بخشی: در توجیه اقدامات حکومت و دلیل اطاعت مردم به‌کار می‌آید.

وجه عمومی یا تأمین خدمات و کارویژه‌های عمومی: بدین معنا که دولت باید به حفظ همبستگی اجتماعی و سیاسی، حل منازعات و تطبیق با شرایط جدید و متحول پردازد و هم‌چنین جهت دستیابی به اهداف کلی خود کوشش کند.

وجه تربیتی و پرورش فضیلت در شهروندان: دولت باید موجبات و بسترهای لازم برای تربیت شهروندان را فراهم کند.

درواقع، یک دولت زمانی کارآمد تلقی می‌شود که افزون بر داشتن چهره‌ای اجبارآمیز، بتواند در توجیه اقدامات خود توفیق داشته باشد، کارویژه‌های عمومی خود را به‌نحو احسن انجام دهد و زمینه‌ها و بسترها لازم را برای تربیت شهروندان فراهم آورد. در این میان، نیروهای حفاظتی مانند پلیس، علاوه بر اینکه جزیی از چهره اجبار دولت محسوب می‌شوند و در تأمین نظم و امنیت داخلی مؤثر هستند، در تأمین خدمات و ارائه

کارویژه‌های عمومی دولت‌ها نیز می‌توانند ایفاگر نقش‌های بی‌بدیلی باشند. هرچند با تفسیری موسع از نقش پلیس، او می‌تواند در تربیت شهروندان نیز نقش داشته باشد (قربانی، ۱۳۹۴: ۵۷).

نکته دیگر اینکه کارآمدی نظام‌های سیاسی که با مفهوم پیشرفت ارتباط نزدیک دارد، تنها در شرایطی حاصل می‌شود که یک نظام سیاسی از بسترهای مساعد یا به تعبیر دقیق‌تر، از پیش‌شرط‌های اساسی پیشرفت مانند امنیت، ثبات و ... برخوردار باشد که در این میان، نیروهای خدمت‌گزار پلیس با تأمین امنیت و ثبات در کشور می‌توانند زمینه‌ساز پیشرفت و ارتقای کارآمدی نظام اسلامی باشند؛ بنابراین، اگرچه در نگاه اول شاید نتوان نقش مستقیمی را برای پلیس در پیشرفت و کارآمدی نظام اسلامی متصور شد؛ اما باید دانست که تأمین نظم و امنیت داخلی که مأموریت اصلی پلیس محسوب می‌شود، زمینه‌ساز تحقق بسیاری از آرمان‌ها از جمله کارآمدی نظام خواهد بود، بدین معنا که در نبود نظم و امنیت، نه پیشرفتی قابل دسترسی است و نه کارآمدی دولت محقق می‌شود. درواقع نظام سیاسی و مملکت‌داری موفق و کارآمد در هر کشوری تنها با حضور و فعالیت دستگاه‌های مختلف شکل می‌گیرد و معنا می‌یابد و در این زمینه، بدون شک نیروهای خدوم پلیس که عهده‌دار وظایف مهم و حساسی هستند، نقش بی‌بدیل دارند (همان).

با توجه به منظومه فکری رهبر معظم انقلاب، می‌توانیم در راستای ارتقای امنیتی مطلوب در دولت اسلامی، برای پلیس دو وظیفه در نظر بگیریم:

الف) درون‌سازمانی:

«... عزیزان من! هرچه می‌توانید، در سالم‌سازی فضای درونی نیروی انتظامی تأکید کنید. هرچه می‌توانید، خود شما تخلفات داخلی نیروی انتظامی را بزرگ بشمارید» (بیانات در دیدار با کارکنان و فرماندهان نیروی انتظامی، ۷۶/۰۴/۲۵).

با این توضیح، بازنگری ساخت درونی و به تعبیر دیگر، ایجاد تحول معنوی و معرفتی در ابعاد و زوایای مختلف رفتار فردی، رفتار سازمانی و عملکرد بیرونی و به تبع آن اصلاح ساختاری و سیستمی مبتنی بر اصول و ارزش‌های اسلامی، در ردیف یکی از مهم‌ترین نقش‌های ناجا در تطابق با ویژگی‌های دولت اسلامی قرار دارد.

ب) برون‌سازمانی

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) با اشاره به نقش ناجا در ایجاد امنیت در مسیر اهداف دولت اسلامی، این نیرو را «مظهر حاکمیت و امنیت» جمهوری اسلامی خوانده‌اند و با تأکید بر این‌که ایجاد امنیت فردی، اجتماعی، اخلاقی و روحی و روانی در جامعه، از مهم‌ترین مسئولیت‌های نیروی انتظامی است، گفته‌اند: «لازمه برقراری امنیت، اقتدار پلیس است؛ اما این اقتدار باید همراه با عدالت، مروت و ترحم باشد» (بیانات در دیدار با فرماندهان و مدیران، ۱۳۹۴/۰۲/۰۶).

«شعار عدالت اجتماعی نیز همین‌طور است. اهتمام به مسئله عدالت اجتماعی در کشور، نباید یک لحظه کاستی بگیرد. البته این قضیه، قضیه شعاری نیست، با گفتن هم مسأله تمام نمی‌شود؛ همه دستگاه‌ها باید تلاش کنند» (۱۳۷۶/۰۴/۲۵).

به‌طورکلی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در مجموعه بیانات‌شان، ایفای درست و کامل وظایف راه، نقش اصلی و اساسی ناجا در ایجاد دولت اسلامی و برقراری امنیت و عدالت در جامعه، اعلام نموده و «اقتدار پلیس» را لازمه دستیابی به این هدف دانسته‌اند؛ درعین حال بر اقتدار توأم با مهربانی و عطف در برخورد با مردم، تأکید داشته‌اند و همانند سایر دستگاه‌ها، سازندگی درونی فرماندهان و کارکنان و نیز سازمان ناجا را در ابعاد مختلف مادی و معنوی، به‌عنوان مقدمه و پیش‌نیاز همه این نکات، مورد تأکید قرار داده‌اند (عرفانی نظری و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۴).

امنیت اجتماعی از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)

یکی از شاخص‌های سنجش امنیت اجتماعی در هر جامعه و کشور، بررسی امنیت سیاسی آن جامعه می‌باشد؛ بدین معنا که مردم در جامعه احساس امنیت فکری و نشاط فکر نمایند و بتوانند افکار و عقاید خود را در چارچوب قانون بیان کنند که معظم‌له در این زمینه به‌خوبی بدان اشاره نموده و فرمودند:

«بنده درباره مطبوعات و نوشتن‌ها، صحبت‌های زیادی کرده‌ام، هیچ کس هم نمی‌تواند منکر این بشود که بنده طرفدار فکر آزاد، قلم آزاد، بیان آزاد معارف منتشره گوناگون در این کشورم؛ اعتقاد من این است من می‌گویم بایستی افکار و آراء و سلاقی

مختلف در کشور، به صورت صحیح و درست مطرح بشود؛ اما گفتن معارف گوناگون یک حرف است؛ دروغ گفتن به مردم و نوشتن و تحریف کردن حقایق و بلندگوی دشمن شدن، حرف دیگری است؛ آنچه که من در باب مطبوعات نمی‌توانم قبول کنم و بپذیرم، این دومی است» (جاویدی، ۱۳۹۱: ۱۶۴).

شاخص‌های امنیت اجتماعی از منظر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)

۱- استقرار عدالت اجتماعی:

برقرار کردن عدالت در جامعه یکی از اهداف مهم حکومت پیامبران الهی و امامان معصوم است و یکی از پایه‌های اساسی امنیت به‌شمار می‌آید. درحقیقت وجود بی‌عدالتی در یک جامعه، روایت‌گر ناامنی و بی‌نظمی در آن جامعه است؛ چراکه عدالت بدون بسترسازی و نظام‌مند شدن نظم و پایداری امنیت حاصل نمی‌شود. عدالت اجتماعی یعنی توزیع فرصت‌های برابر برای همگان و نگرش حکومت به همه اقشار و احقاق حقوق همگان که مقام معظم رهبری به‌خوبی بدان اشاره نموده‌اند و فرمودند:

«عدالت اجتماعی یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین خطوط در مکتب سیاسی امام بزرگوار ماست. در همه برنامه‌های حکومت - در قانون‌گذاری، در اجرا، در قضا - باید عدالت اجتماعی و پرکردن شکاف‌های طبقاتی، موردنظر و هدف باشد. اینکه ما بگوییم کشور را ثروتمند می‌کنیم - یعنی تولید ناخالص ملی را بالا می‌بریم - اما ثروت‌ها در گوشه‌ای به نفع یک عده انبار شود و عده کثیری هم از مردم دست‌شان خالی باشد، با مکتب سیاسی امام نمی‌سازد. پرکردن شکاف اقتصادی در بین مردم و رفع تبعیض در استفاده از منابع گوناگون ملی در میان طبقات مردم، مهم‌ترین و سخت‌ترین مسؤلیت ماست. همه برنامه‌ریزان، قانون‌گذاران، مجریان و همه کسانی که در دستگاه‌های گوناگون مشغول کار هستند، باید این را مورد توجه قرار دهند و یکی از مهم‌ترین شاخص‌های حرکت خود به حساب آورند» (بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره)، ۱۳۸۳/۰۳/۱۴).

۲- امنیت مسکن و شغل:

از عوامل مؤثر در تحقق امنیت اجتماعی، توجه به امنیت شغلی افراد است و از دیدگاه اسلام و رهبری، امنیت تنها در مورد جان و مال و ناموس مردم خلاصه نمی‌شود؛ بلکه شامل تأمین شغل و مسکن و سایر امنیت‌های اجتماعی نیز می‌باشد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی تصریح شده است «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز می‌کند» (نظرپور، ۶۶: ۱۳۸۷).

رهبر انقلاب اسلامی در دیدار هزاران نفر از کارگران و فعالان بخش تولید و جمعی از کارگران نمونه و برتر، به مقوله کار و کارگر در عرصه فرهنگسازی و هم‌چنین در عرصه قانون‌گذاری و اجرایی خاطر نشان کردند:

«اگر قشر کارگر از امید و رفاه و امنیت شغلی برخوردار باشد، حرکت کشور در مسیر پیشرفت سریع‌تر و آسان‌تر خواهد شد» (دیدار کارگران و فعالان بخش تولید کشور در آستانه روز کارگر، ۲/۷/۱۳۹۲).

۳- مبارزه با مفاسد و انحرافات اجتماعی:

یکی دیگر از راه‌های تأمین نظم و امنیت اجتماعی، مبارزه و برخورد جدی با فساد و انواع انحراف‌های اخلاقی و اجتماعی است. امام (ره) آن دسته از افرادی که انحراف اخلاقی دارند و جامعه را به فساد و تباهی می‌کشانند، به‌عنوان غده سرطانی معرفی کرده و معتقدند: «آنکه فاسد می‌کند جامعه را و دست از فسادهایش برنخواهد داشت، او را باید از جامعه جدا کرد؛ او یک غده سرطانی است که جامعه را فاسد می‌کند» (خمینی، ۱۳۸۷: ۸۲). رهبری در در دیدار با فرماندهان نیروی انتظامی، انحرافات اجتماعی را خطرناک می‌داند که حیات اجتماعی ما را هدف قرار داده است:

«مسأله مواد مخدر واقعاً مهم است. یعنی؛ یکی از حساس‌ترین، مراکز حیات اجتماعی ما را هدف گرفته است، خیلی خطرناک است، جوان‌های ما، دختر و پسر ما، در مقابل یک سیل عظیم هدایت‌شونده بی‌پناه است و اعتیاد به مواد مخدر را به‌عنوان بلای خطرناک اجتماعی یاد کرده است» (کریمی، ۱۳۸۹: ۹۸)؛ بنابراین یکی از راه‌های ایجاد امنیت اجتماعی، مبارزه با مفاسد و انحرافات اجتماعی می‌باشد.

۴- نظارت عمومی:

امر به معروف و نهی از منکر و کنترل و نظارت کارگزاران نظام، از وظایف مهم اجتماعی به حساب می‌آید و از دیدگاه رهبری، برای اصلاح امور جامعه و استقرار نظم و امنیت اجتماعی لازم است:

«امروز فقط جنگ نظامی نیست؛ اما همه تهاجم‌های دیگر، با شدت کم سابقه‌ای وجود دارد. در مقابل این تهاجم، این جامعه اسلامی باید زنده، هوشیار، آسیب‌ناپذیر، پرامید، آماده مقاومت، آماده ضربه‌زدن و به صورت یک موجود زنده مقاوم بماند و مقاومت کند. این، چگونه ممکن است؟ این است که بنده موضوع امر به معروف و نهی از منکر را مطرح کردم. موضوع امر به معروف که موضوع جدیدی نیست. این، تکلیف همیشگی مسلمانان است جامعه اسلامی، با انجام این تکلیف زنده می‌ماند. قوام حکومت اسلامی، با امر به معروف و نهی از منکر است که فرمود: اگر این کار نشود، آن وقت «لیس‌ل ظن الله علیکم شرارکم فیدعوا خیارکم فلا یستجاب لهم». قوام حکومت اسلامی و بقای حاکمیت اختیار، به این است که در جامعه امر به معروف و نهی از منکر باشد. امر به معروف فقط این نیست که ما، برای اسقاط تکلیف، دو کلمه بگوییم، آن هم در مقابل منکراتی که معلوم نیست از مهم‌ترین منکرات باشند. وقتی یک جامعه را موظف می‌کنند که آحادش باید دیگران را به معروف امر و از منکر نهی کنند، این به چه معناست؟ چه وقت ممکن است آحاد یک ملت امر به معروف و ناهی از منکر باشند؟ وقتی که همه، به معنای واقعی در متن مسائل کشور حضور داشته باشند؛ همه کار داشته باشند به کارهای جامعه؛ همه اهتمام داشته باشند؛ همه آگاه باشند؛ همه معروف‌شناس و منکرشناس باشند. این، به معنای یک نظارت عمومی است؛ یک حضور عمومی است؛ یک همکاری عمومی است؛ یک معرفت بالا در همه است. امر به معروف، این‌هاست و الا اگر ما امر به معروف را در یک دایره محدود، آن هم به وسیله افراد معلومی زندانی کنیم، دشمن هم در تبلیغات خودش بنا می‌کند سمپاشی کردن؛ که در ایران بناست از این به بعد، نسبت به زن‌های بدحجاب، این‌طور عمل شود! این واجب به این عظمت را، که قوام همه‌چیز به آن است، بیاورند در دایره‌ای محدود، در خیابان‌های تهران؛ آن هم نسبت به چند نفر زنی که وضع حجاب‌شان

مثلاً درست نیست. این است معنای امر به معروف؟! این است معنای حضور نیروهای مؤمن در صحنه‌های گوناگون جامعه؟! قضیه، بالاتر از این حرف‌هاست. تخلف‌ها یک اندازه و یک نوع نیست. تخلف‌ها، تخلف‌های فردی نیست. بالاترین تخلف‌ها، آن تخلف‌ها و جرایمی است که پایه‌های نظام را سست می‌کند. نومیدکردن مردم، نومیدکردن دل‌های امیدوار، کج نشان‌دادن راه راست، گمراه‌کردن انسان‌های مؤمن و بااخلاص، سوءاستفاده‌کردن از اوضاع و احوال گوناگون در جامعه اسلامی، کمک‌کردن به دشمن، مخالفت‌کردن با احکام اسلامی و تلاش برای به‌فسادکشانیدن نسل مؤمن. امروز دست‌هایی تلاش می‌کنند تا فساد را به‌صورت نامحسوس نه آن‌طوری که شما در خیابان آن‌را ببینید و بفهمید و مشاهده کنید، به شکل‌های گروهکی، ترویج کنند و جوانان را به فساد بکشانند؛ پسرها را به فساد بکشانند؛ مردم را به بی‌اعتنایی بکشانند. منکرات این‌هاست؛ منکرات اخلاقی، منکرات سیاسی، منکرات اقتصادی. همه‌جا، جای نهی از منکر است. یک دانشجو هم، در محیط درس می‌تواند نهی از منکر کند. یک کارمند شریف هم، در محیط کار خود می‌تواند نهی از منکر کند. یک کاسب مؤمن هم، در محیط کار خود می‌تواند نهی از منکر کند.

یک هنرمند هم با وسایل هنری خود، می‌تواند نهی از منکر کند. روحانیون در محیط‌های مختلف، یکی از مهم‌ترین عوامل نهی از منکر و امر به معروفند. نمی‌شود این واجب بزرگ الهی را در دایره‌های کوچک، محدود کرد. کار هم کار همه است. این‌طور نیست که مخصوص عده خاصی باشد. البته هرکس وظیفه‌ای دارد؛ قشرهای مختلف، باید جایگاه خود را در امر به معروف و نهی از منکر پیدا کنند. باید خطر را بشناسیم. باید نقاطی را که خطر، از آن نقاط جامعه اسلامی را تهدید می‌کند، درست بشناسیم. آن عبرت‌های قضایای صدر اسلام را برای مردم و برای خودمان، باز کنیم. مهم‌ترین وظیفه‌ای که در صراط امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد، این است که نیروهای مؤمن و امر به معروف و ناهی از منکر و آن‌هایی که در نظام اسلامی انگیزه دارند، باید در صحنه باشند. همه‌جا باید حضور داشته باشند. حزب‌اللهی‌بودن، یعنی آماده‌کاربودن برای انجام

تکلیف الهی. این، یک ارزش است؛ یک ارزش انقلابی است» (بیانات در دیدار جمعی از روحانیون، ۱۳۷۴/۵/۷).

عوامل ناامنی اجتماعی از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)

عوامل متعددی در ایجاد ناامنی اجتماعی در یک جامعه دخیل می‌باشد که به‌طور کلی به دو دسته داخلی و خارجی تقسیم می‌شوند؛ از جمله اعتیاد، فقر، فساد، فحشا، تبعیض، بیماری، اختلالات روانی و ... که معظم‌له، رواج مواد مخدر، اعتیاد، بیکاری، عدم اشتغال و هم‌چنین سیاست‌بازی‌های جاه‌طلبانه و غیرمسئولانه از عوامل ناامنی می‌دانند و در کنار این عوامل، دخالت‌های دشمنان خارجی و تحرکات خارجی و عدم برخورد قاطع که موجب تردید و تزلزل می‌شود را از عوامل ناامنی دانستند و فرمودند:

«اشتغال وقتی نباشد یا کم باشد، یعنی وقتی بیکاری در جامعه باشد، این خودش یکی از عوامل ناامنی است؛ رواج مواد مخدر که باشد، از عوامل ناامنی است؛ سیاست‌بازی‌های جاه‌طلبانه و غیرمسئولانه کسانی باشد، از عوامل ناامنی است؛ دخالت دشمن خارجی و تحریکات خارجی باشد، از عوامل ناامنی است؛ هیچ‌کدام از این‌ها به شما ربطی ندارد؛ اما کسی که باید شانه استوار و مستحکم خودش را زیر این بار بدهد، شما باید؛ باید به میدان بیایید و با ناامنی با همه ابعاد آن مبارزه کنید» (جاویدی، ۱۳۹۱: ۱۹۵).

نقش ناجا در تأمین امنیت و امنیت اجتماعی از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در راستای همین اعتقاد به نظم و قانون می‌فرماید: «تنها رعایتی که نیروی انتظامی باید بکند، عبارت است از رعایت نظم و قانون و رعایت اخلاق در اجرای قانون».

مقام معظم رهبری، فلسفه وجودی نیروی انتظامی را در راستای ایجاد امنیت چنین بر می‌شمرده‌اند:

«فلسفه وجودی نیروی انتظامی این است که بتوانند برای آسایش مردم و آرامش محیط زندگی آن‌ها نظم برقرار کنند. مواظب باشید مردم دچار ناراحتی نشوند...»
در بیان دیگر مقام معظم رهبری، نیروی انتظامی را به‌عنوان مظهر محبت و مدیریت نظام، بدین نحو معرفی می‌نماید:

«نیروی انتظامی که داریم با مردم سروکار دارد. می‌توانند هم مظهر عطفوت و محبت نظام باشند و هم مظهر تدبیر و مدیریت آن. این دو عامل را کنار هم رعایت کنید. حرکات و تصرفات شما هم باید نشان‌دهنده عقل و تدبیر مدیریت نظام باشد و در اسرع وقت مجرم دستگیر شود و هم باید مظهر عطفوت و ترحم و محبت و داد. معلوم باشد مأمور دولتی با کسی نظر شخصی و عناد ندارد» (لرنی، ۱۳۸۳: ۱۸۷).

واضح است که امنیت در نبود قانون، به خطر خواهد افتاد و یک نظام سیاسی که به‌صورت منظم، تدابیری برای امور محوله خود نداشته باشد به روزمرگی و بی‌برنامگی کشیده خواهد شد و در نتیجه، در تأمین حقوق جامعه نیز به توفیقی دست نخواهد یافت. از آن سو وجود قوانین مدون و تعهد به آن، برای اجرای منظم و دوراندیشانه برنامه‌ها، از عوامل زمینه‌ساز امنیت است.

مقام معظم رهبری در ذیل اعلامیه‌ای از امام (ره) که به امنیت عمومی توجه دارد، چنین می‌فرماید:

«اولین مطلبی که در بیانیه امام (ره) به‌وضوح دیده می‌شود، اصرار و تأکید بر آرامش عمومی جامعه است...».

بدون تردید نیروهای مسلح هر جامعه، بازوان اجرایی حکومت و قضا در تأمین امنیت هستند و سلامت به وظیفه عمل کردن، فارغ از تخریب‌گرایی و گروه‌گرایی و ...، از جمله عواملی می‌باشد که نیروهای مسلح را می‌توانند در جهت کارکرد صحیح، یاری دهند. مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در مورد نیروی انتظامی، چنین می‌فرماید:

«نیروی انتظامی باید ضمن رفتار کاملاً محترمانه و مهربانانه با آحاد مردم با عاملان و مروجان هرگونه ناامنی اجتماعی و اخلاقی قاطعانه برخورد کند ... مردم انتظار دارند در اجتماع و در کوچه و خیابان بدون هیچ دغدغه‌ای براساس اعتقادات دینی خود عمل کنند و شاهد هیچ منظره‌ای که وجدان دینی آن‌ها را آزرده می‌کند نباشند؛ لذا نیروی انتظامی باید با همه مسائلی که از نظر اخلاقی ممنوع است مقابله کند. مردم انتظار دارند وضع جامعه به‌گونه‌ای باشد که جوانان‌شان در بیرون از خانه تحت هجوم مسائل غیراخلاقی قرار نگیرند. بنابراین نیروی انتظامی باید باید با کسانی که با اشاعه فساد در جامعه امنیت

اخلاقی مردم را تهدید می‌کنند مقابله نماید. امنیت و نظام اجتماعی برای مردم گاه از مسائل معیشتی مهم‌تر است؛ لذا با کسانی که با رفتار یا گفتار خود متعرض آسایش و امنیت و آرامش دیگران می‌شوند باید بدون اغماض برخورد کنید. ضمن آنکه حریم شخصی افراد تا جایی که با رفتار خود به دیگران تعرض نمی‌کنند، کاملاً محترم است» (چشمه همیشه جاری، ۱۳۸۱: ۱۶).

مقام معظم رهبری در جایی دیگر و در همین باب می‌فرماید:

«نیروی انتظامی باید نظم و امنیت را طبق شرح وظایفی که قانون برایش معین کرده، در سرتاسر کشور، بخصوص در مناطق مرزی و بلاخص در برخی از مناطق که گاهی اشاری در آنجا نظم و امنیت را مورد اختلال قرار می‌دهند، به اثبات برسد. این، آن نکته اصلی و اولی است. باید ثابت کنید که نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، این کفایت و کارایی را برای حمل بار امانتی که برعهد اوست، داراست» (لرنی، ۱۳۸۳: ۱۹۳).

به‌طور کلی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) به مقوله امنیت و حفظ و پاسداری از آن توسط نیروی انتظامی، اهمیت زیادی قایلند و آنرا مهم و حساس می‌شمارند؛ لذا می‌فرمایند:

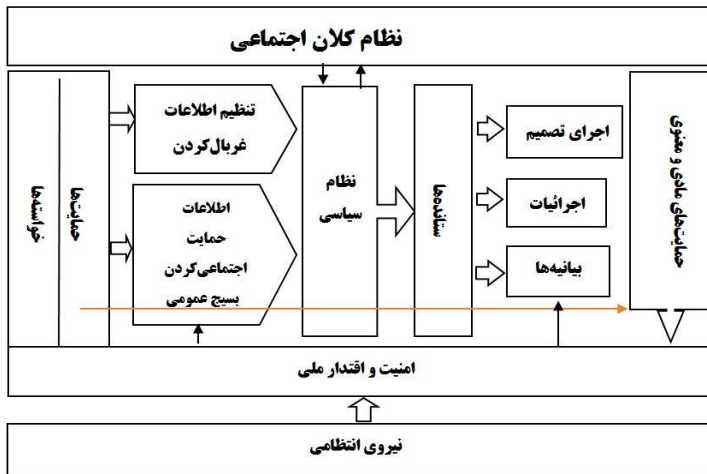
«مسأله نیروی انتظامی، البته یک مسأله اساسی و مهم است. اگر ما بخواهیم ضروریات زندگی بشر را در فصول عمده خلاصه کنیم و مثلاً به دو فصل، سه فصل و حداکثر به چهار فصل تقسیم نماییم؛ یک فصل از این چند فصل امنیت است. بدون امنیت، نه خوراک لذتی می‌بخشد، نه خانواده انسی ایجاد می‌کند و نه شغل و درآمد، فایده‌ای می‌دهد. امنیت که نبود، هیچ چیزی نیست. امنیت مثل هوا برای انسان، به‌طور مستمر لازم است. اگر جامعه امنیت نداشته باشد حالت اختناق پیدا می‌کند؛ مثل مجموعه‌ای که هوا در اختیار نداشته باشد. این اهمیت امنیت است. امنیت هم متعلق به همه است ... نیروی انتظامی هم متعلق به همه است» (لرنی، ۱۳۸۳: ۱۹۴ و ۱۹۵).

و پلیس را مظهر ایجاد عدالت در جامعه می‌دانند «توجه داشته و دارید که هیچ جامعه‌ای از نفوذ عناصر فساد مصون نیست ... مفاسد اقتصادی، مفاسد اخلاقی، مفاسد سیاسی، تعدی به حقوق دیگران و زورگویی به دیگران در بین مردم ایجاد می‌کند. پلیس

مظهر عدالت در این موارد است» (بیانات در دیدار فرماندهان نیروی انتظامی، ۱۳۸۳/۱۲/۱۶).

بحث و نتیجه‌گیری

در اندیشه سیاسی مدرن، دولت در فضای آنارشی، مسئول ایجاد امنیت و مراقبت از آن است. از این دیدگاه، دولت‌ها موضوع اصلی امنیت هستند. از منظر جامعه‌شناسی و سیاسی نیز احساس امنیت را می‌توان محصول کنش متقابل اجتماعی دانست که از درون تعاملات متقابل افراد، گروه‌ها و نهادهای سیاسی متجلی می‌شود. به بیان دیگر، احساس امنیت در واقع نوعی تولید اجتماعی است و همه نهادهای سیاسی و اجتماعی در شکل‌گیری آن سهیم هستند. در این میان، نیروی انتظامی و پلیس جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک سازمان امنیتی - اجتماعی که نقش مهمی در تأمین امنیت و مراقبت از نظم و آسایش عمومی مردم و مبارزه با عناصر مخل آن دارد، در فرایند تولید نظریه‌های علمی مبتنی بر مبانی فکری و جهان‌بینی اسلامی و ارزش‌های بومی ایرانی که ریشه‌های توحیدی دارد، می‌تواند با استفاده از نخبگان فکری درون‌سازمانی و هم‌چنین به‌کارگیری نخبگان فکری برون‌سازمانی، تأثیر بسزایی در این رابطه داشته باشد و این مهم در پرتو خردمندی و عقلانیت در این سازمان میسر و امکان‌پذیر است.



نمودار ۲. روابط نیروی انتظامی و نظام سیاسی مبتنی بر رویکرد سیستمی

طبعاً و به‌طور منطقی، پلیس و نیروی انتظامی مطلوب جمهوری اسلامی ایران، پلیسی توانا، مردمی، مردم‌سالار، قانون‌گرا، هوشمند و دانش‌بنیان، چابک و حامی ارزش‌های اخلاقی و توحیدی و عدالت در جامعه بوده و از نظام سیاسی، مردم و نخبگان و رهبران سیاسی مردمی حمایت و پشتیبانی می‌نماید و به‌نوعی حلقه واسط میان جامعه، مردم و حاکمیت تلقی می‌شود. پلیس با مشارکت در بسیاری از فرآیندهای اساسی کارکرد جامعه، به‌عنوان نهادی ظاهر می‌شود که در قلب کارکرد سیاسی یک جامعه قرار دارد؛ اگرچه این واقعیت براساس جوامع و دوره‌های مختلف، کم‌وبیش آشکار و پنهان وجود دارد. کارکرد پلیسی با مشارکت در اجرای تصمیمات و به تبعیت و ادا داشتن مردم نسبت به هنجارها، صرف‌نظر از اشکالی که به خود می‌گیرد، روابط تنگاتنگی با نظام سیاسی برقرار می‌کند؛ اما در عین حال اصل نهاد پلیس که در حد فاصل نظام سیاسی و محیط اجتماعی خود قرار گرفته، به‌دلیل ارتباطش در جامعه با دیگر دستگاه‌های اداری، به‌منظور انجام مؤثر مأموریت‌های خویش هماهنگی دارد. بدین ترتیب پلیس ارتباط تنگاتنگی با دو محیط (محیط سیاسی و محیط جامعه) برقرار می‌کند؛ بنابر این پلیس با کارکردهای خوب و موفق خویش می‌تواند به‌نوعی توازن میان این دو محیط برقرار نموده و ضمن دفاع از نظام سیاسی و ارزش‌های حاکم بر جامعه، از حقوق مردم و حقوق شهروندان مراقبت نماید.

با توجه به بیانات مقام رهبری، انتظارات معظم‌له از نیروی انتظامی در جهت تأمین نظم و امنیت اجتماعی عبارتند:

۱. تأمین و حفظ امنیت اسلامی و شهروندی مردم؛
۲. خدمت‌گذاری به مردم و ارائه خدمات امنیتی، انتظامی و رفاهی به‌صورت صادقانه، دلسوزانه و مخلصانه به مردم؛
۳. پلیس به‌عنوان مأمّن، ملجأ و پناهگاه و امنیت مردم در تأمین امنیت؛
۴. قانون‌مندی و رعایت حقوق مردم در تأمین امنیت؛
۵. کلان‌نگری در امنیت و تأمین امنیت همه مردم کشور؛
۶. جلب رضایت‌مندی مردم با ارائه خدمات مطلوب و تأمین امنیت؛
۷. دفاع از امنیت اخلاقی، معنوی و فرهنگی مردم؛

۸. هوشیاری، دقت قاطعیت، سرعت عمل، پیگیری در انجام مأموریت؛
 ۹. دین‌داری و پای‌بندی به اصول و گسترش روح ایمان و تقوا در کلیه رده‌های پلیس؛
 ۱۰. ارتقای کارآمدی، قابلیت و توانمندی در تأمین امنیت مردم؛
 ۱۱. هدف‌گذاری، شاخص‌بندی و رصدکردن آن در تأمین امنیت جامعه و
 ۱۲. سالم‌سازی محیط اجتماعی و حفظ آبرو و حیثیت مردم در انجام مأموریت‌ها (کریمائی، همان: ۹۹-۱۰۰).
- یافته‌ها نشان می‌دهد:
۱. نیروی انتظامی سازمان و نهادی در ذیل حاکمیت و نظام سیاسی است که در جمهوری اسلامی ایران در سلسله‌مراتب فرماندهی کل قوا به انجام مأموریت‌های خطیر خود در قلمرو تأمین نظم و امنیت و آسایش عمومی هم‌چنین نگرهبانی و پاسداری از انقلاب اسلامی و ارزش‌های اسلامی برای فراهم‌شدن زمینه برای تربیت انسان‌های صالح و شایسته و هم‌چنین جامعه صالح و شایسته، می‌پردازد.
 ۲. پلیس و نیروی انتظامی ضامن و پشتوانه اجرایی‌شدن و تحقق قانون، احکام و حدود الهی و مقررات در جامعه است.
 ۳. پلیس و نیروی انتظامی پناهگاه مورداعتماد مردم و مجرای تأمین امنیت برای جامعه می‌باشد.
 ۴. پلیس و نیروی انتظامی الهی زینت زمامداران و حاکمان است.
 ۵. نیروی انتظامی مظهر عقلانیت و تدبیر نظام سیاسی است.
 ۶. نیروی انتظامی مظهر اقتدار ملی نظام سیاسی است.
 ۷. نیروی انتظامی مظهر عطوفت و مهربانی و ترحم نظام سیاسی است.
 ۸. پلیس مظهر صلابت و قاطعیت نظام سیاسی در برخورد با جرائم و مجرمان، بزهکاران، هنجارشکنان و قانون‌شکنان است.
 ۹. پلیس و نیروی انتظامی انتقال‌دهنده مطالبات و تقاضاهای عینی مردم و گروه‌های اجتماعی از متن جامعه به نظام و سیستم سیاسی می‌باشد.

۱۰. پلیس و نیروی انتظامی نقش بسیج‌کنندگی مردم و شهروندان در حمایت سیاسی از نظام سیاسی را ایفا می‌نماید.
۱۱. پلیس و نیروی انتظامی نقش اجتماعی کردن سیاست و افزایش مشارکت سیاسی را در میان مردم ایفا می‌نماید.
۱۲. پلیس و نیروی انتظامی نقش شکوفاسازی فرهنگ سیاسی معقول و منطقی در میان نخبگان سیاسی و مردم را می‌تواند ایفا نماید.
۱۳. پلیس و نیروی انتظامی در تصحیح و منطقی کردن تصمیمات نخبگان سیاسی و نظام سیاسی نقش مهمی می‌تواند ایفا نماید.
۱۴. پلیس و نیروی انتظامی با صحت عمل خود می‌تواند نقش تأثیرگذاری در مبارزه با فساد نخبگان سیاسی و قدرت و سالم‌سازی آنان داشته باشد.
۱۵. پلیس و نیروی انتظامی نقش واسط و رابط میان مردم و گروه‌های اجتماعی و مردمی با نظام سیاسی را ایفا می‌نماید.
۱۶. پلیس و نیروی انتظامی با عملکرد مناسب و درست نقش مهمی در افزایش اعتماد مردم و شهروندان به نظام سیاسی ایفا می‌کند.
۱۷. پلیس و نیروی انتظامی با عملکرد درست و مناسب خود به ارتقای سرمایه اجتماعی نظام سیاسی کمک می‌کند.
۱۸. پلیس و نیروی انتظامی با عملکرد و کارکردهای مناسب و درست خود به مشروعیت و در نتیجه به کارآمدی نظام سیاسی کمک شایان توجهی می‌کند.
۱۹. بزرگترین و مهم‌ترین وظیفه پلیس و نیروی انتظامی حفظ ارزش‌های اسلامی است.
۲۰. پلیس و نیروی انتظامی بازوی توانای اجرایی کردن مکانیزم امر به معروف و نهی از منکر در عرصه روابط اجتماعی و تحقق ظهور مسئولیت همگانی است.
۲۱. سازمان پلیس باید به جذب نیروهای انسانی از گروه‌های خاص موافق با نظام سیاسی بپردازد.

۲۲. پلیس باید در چهار مرحله در امور سیاسی، مداخله و ایفای نقش کند: مرحله اطلاعات، مرحله حمایت، مرحله اجتماعی کردن افراد و مرحله بسیج عمومی؛ به گونه‌ای که بتواند به مشروعیت و قدرت نظام سیاسی بیفزاید.
۲۳. پلیس باید سازوکارهای ایفای نقش فرآیند اجتماعی شدن افراد را تنظیم و اجرا کند. مثل مواردی که مأموران پلیس، مقررات راهنمایی و رانندگی را در مدارس به کودکان و نوجوانان آموزش می‌دهند.
۲۴. حمایت پلیس از نظام سیاسی، باید از طریق آموزش، ایجاد بصیرت، ارتقای ایمان و افزایش توانمندی‌های تخصصی مأموران پلیس تجلی یابد.
۲۵. پلیس و نیروی انتظامی در عرصه‌های گوناگون و مختلف ترقی، پیشرفت و توسعه یافتگی، بایستی مرزهای علمی و تخصصی را شکسته و به الگویی برای سایر سازمان‌های پلیسی در منطقه و جهان تبدیل شود.
۲۶. پلیس و نیروی انتظامی بایستی متناسب با شرایط و مقتضیات زمان و مکان، اقدام به چابک‌سازی سازمانی نماید.
۲۷. پلیس و مأموران آن در مدیریت بحران‌ها و بلایای طبیعی مانند زلزله، سیل، طوفان و امثالهم هم نقش‌های مهمی مانند امداد رسانی به مصدومان و حادثه‌دیدگان را ایفا می‌نمایند.
۲۸. پلیس و نیروی انتظامی در یک رابطه متقابل چهارضلعی با مردم، مطبوعات و رسانه‌ها و سیاست، فرآیندی را پدید می‌آورد که در آن مشروعیت سیاسی در کنار مشروعیت جامعه‌ای و مردم‌سالار به منصف ظهور می‌رسد.
۲۹. پلیس در جمهوری اسلامی ایران در یک رابطه متقابل با نظام سیاسی مردم‌سالار دینی، پلیسی مردم‌سالار و خادم مردم و ملت، فارغ از هر نژاد، قوم و مذهب و دین می‌باشد.

منابع

امام‌جمعه‌زاده، سیدجواد؛ درجانی، حسین (۱۳۸۹)، امنیت در اسلام، مبانی و قالب‌های فکری، فصل‌نامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ۲ (۵): ۱۴-۳۵.

- آقابخشی، علی؛ فشاری، مینو (۱۳۷۶)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- ترابی، یوسف (۱۳۹۳)، امنیت اخلاقی در سپهر اندیشه مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، فصل‌نامه انجمن انقلاب اسلامی، انجمن علمی انقلاب اسلامی ایران ۳(۸): ۵۹-۸۸.
- ترابی، یوسف؛ گودرزی، آیت (۱۳۸۳)، ارزش‌ها و امنیت اجتماعی، فصل‌نامه دانش انتظامی، تهران، دانشگاه علوم انتظامی.
- ترابی، یوسف؛ رفیعی دولت‌آبادی، محمدرضا (۱۳۹۶)، پلیس و نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران (روابط پلیس و سیاست)، دانشگاه علوم انتظامی امین.
- جاویدی، مجتبی (۱۳۹۱)، نیروی انتظامی، مظهر اقتدار ملی، معاونت سیاسی سازمان عقیدتی - سیاسی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵)، شهروند و دولت، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸)، کلمات قصار، پندها و حکمت‌ها، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ذاکر اصفهانی، علیرضا؛ صادقی، زهرا (۱۳۸۷)، رویکرد اجتماعی به امنیت و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران، تهدیدات و راه‌کارها، دوفصل‌نامه سیاسی (پژوهش حقوق و سیاست)، ۱۰ (۲۵)، ۲۳۱-۱۲۱.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسن‌بن محمدمفضل (۱۴۰۴)، مفردات، تهران: دفتر نشر کتاب.
- رحمانی، اصغر (۱۳۸۶)، مبارزه با فقر، فساد و تبعیض در آیین سخنان مقام معظم رهبری، نشریه طوبی، ۲۳.
- روشندل، جلیل (۱۳۷۴)، امنیت ملی و نظام بین‌الملل، تهران: سمت.
- سیدنژاد، صادق (۱۳۹۱)، تولید، کار و سرمایه از منظر آموزهای دینی، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- عرفی نظری، عباس؛ شبانی، محمدرضا؛ کاظمی پیرسرا، فرشید (۱۳۹۶)، الگوی کارآمد امنیت سیاسی در دولت اسلامی و نقش ناجا مبتنی بر منظومه فکری مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، بصیرت و تربیت اسلامی، ۱۰ (۷)، ۲۷-۱.
- عربی، علی‌اکبر (۱۳۷۳)، فرهنگ تحلیلی واژه‌های انگلیسی، تهران: نشر کازرون.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰)، سرمایه اجتماعی و امنیت انتظامی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان و سازمان تحقیقات و مطالعات پژوهش‌شکده انتظام ناجا.
- کریمیایی، علی‌اعظم (۱۳۸۹)، رویکردی ایجابی به امنیت اجتماعی و نقش ناجا در تأمین آن، فصل‌نامه علمی - پژوهشی نظم و امنیت انتظامی، سازمان تحقیقات ناجا، مطالعات و تحقیقات ناجا، ۳: ۷۸-۴۹.
- لرنی، منوچهر (۱۳۸۳)، امنیت ملی و دفاع از ارزش‌ها، معاونت روابط عمومی و تبلیغات ساعس ناجا، مرکز چاپ، چاپ اول.

معاونت سیاسی ساعس ناجا (۱۳۸۱)، *تحلیلی بر بیانات مقام معظم رهبری، چشمه همیشه جاری*، شماره ۱۶.

نظریور، مهدی (۱۳۸۷)، *آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، معاونت پژوهشی دانشگاه معارف.